



۱۲

ورزش

فردی برای تمام پست های فدراسیون فوتبال

فرمانروایی «ساکت»

سپامک نعمتی در گفت‌وگو با قدس:

با کالدرون

تهاجمی تر شدیم

سپامک نعمتی در تیم برانکو آچار فرانسه بود و در هر پستی که پرسپولیس با کمبود بازیکن روبه رو می‌شد اتجام وظیفه می‌کرد. از مهاجم تا دفاع راست و وینگر چپ و راست بازی کرد و اتفاقاً گل‌های حساسی را هم به ثمر رساند. مثل گل به السد، برای فصل جدید هم به نظر می‌رسد کالدرون روی این بازیکن حساب ویژه‌ای باز کرده‌است. مصد و میت او از ناحیه پینسی که در برخورد با مدعی شریفی به وجود آمد ...

بر خورد زشت رئیس فدراسیون تکواندو

با خبرنگاران در مشهد

پولادگر: خسته‌ام نمی‌خواهم حرف بزنم!



مجاز آباد

روزنامه‌نگار سعودی داغ شد

به تازگی فیلمی از شعرهای زائران فلسطینی بیت‌الله الحرام در سرزمین منا در حمایت از قدس، منتشر شده که حسایی در فضای مجازی جنجالی شده است. در میان واکنش مثبت کاربران کشورهای مختلف به این فیلم، محمد آل‌شیخ، روزنامه‌نگار سعودی در توپیترش نوشت: «فلسطینی‌ها وبال گردن همه کسانی هستند که از آن‌ها میزبانی می‌کنند. اردن از آن‌ها میزبانی کرد سی‌تا‌میر سیاه اتفاق افتاد. لبنان از آن‌ها میزبانی کرد جنگ داخلی رخ داد. کویت از آن‌ها میزبانی کرد به سربازان صدام تبدیل شدند. حالا هم آن‌ها تریبون‌های خود را برای توهین به ما و انکار مواضع ما به کار گرفته‌اند! آن‌ها را فقط ارتش اسرائیل می‌شناسد.»

توییت جنجالی روزنامه‌نگار سعودی حالا سوزه فضای مجازی شده و کاربران برای پاک کردن پستست آل شیخ از بستر توپیترش، این شبکه اجتماعی را زیر فشار قرار داده‌اند.

توقف پروژه بت‌سازی

مسعود استاد، برادر میثرا استاد با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش از بخشیدن نجفی خبر داد و نوشت: «... آقای محمدعلی نجفی را بخشیدیم و از خون عزیزمان گذشتیم و خرسندیم که هیچ معامله‌ای با خون آن بزرگوار نکرديم...».

کاربران فضای مجازی هم در واکنش به این پست توپیتتری برای چندمین بار در هفته‌های اخیر، هشتک #نجفی را در توپیترش داغ کردند. در ادامه نمونه‌هایی از پیام‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «فراز نجفی از قصاص جای خوشحالی دارد نه ناراحتی! این جناح که سابقاً که از یک قاتل، مظلوم ساختند و از یک مقتول، مهورالدم، فردای روز قصاص از نجفی آدمکش یک بت می‌ساختند، یک شهید! شهیدی که به‌خاطر مقاومت در برابر نهاد انقلابی، قربانی شد...اگه نجفی فقط یک بار کنترل خودش رو از دست داده بود و به میثرا استاد شلیک کرده بود می‌شد به دلیل توصیه دین به بخشیدن، ارزش گذشت ولی بعد از اون، با تهمت‌هایی که به اون خاتم زد، چندین بار دیگه هم اونو کشت.»

منبع آمدنیوز کیست؟

پس از اینکه مدیرکل حقوقی وزارت اطلاعات اعلام کرد: «حسن عباسی که به جرم نسبت دادن رابطه وزارت اطلاعات با آمد نیوز دستگیر شده بود، دوران حبس قطعی خود را می‌گذراند» این نظریه‌پرداز به یکی از سوزه‌های داغ توپیترش فارسی‌ساز تبدیل شد. علی قلهکی، فعال فضای مجازی با انتقاد از سکوت رسانه‌ها در این ماجرا در توپیترش نوشته است: «روزنامه‌های جبهه انقلاب ترجیح دادند در صفحه اول خودشان خبری از بازداشت حسن عباسی نداشته باشند. درست است که رویکرد اصلاح‌طلبان را نقد می‌کنیم ولی این بی‌تفاوتی درباره بازداشت یک همفکر هم به‌خدا نوبر است! بعد اخلاقی ماجرا به کنار، کاش کمی روحیه تشکیلاتی داشتیم.» یکی از کاربران هم نوشته است: «اگر حسن عباسی ادعای خلاف واقع کرده مثل بقیه محاکمه‌اش کنید. اما این سؤال رو هم جواب بدید آمدنیوز به چه منبعی وصله که ده‌ها سند و فیلم و خبر منتشر می‌کنه؟ چرا گزارش نمی‌دید منابع خبری آمدنیوز کیا هستن؟»

گفت‌وگو با محمود غفاری که جایزه فیلمساز اول را از آکادمی «سینما سینما» گرفت

«شماره ۱۷ سهیلا» شکست نخورد، قربانی شد

دائمی و همیشگی می‌بود، زیرا که دیگر نفت آنجا ته می‌کشد. برای هر نوع نگهداری آن باید خرج کرد، اعم از مخارج نظامی و اداری. بعد هم کشمکش دائم با دنیای عرب که برای حفظ ظاهر عربیت هم که شده باید با ما به مخالفت برمی‌خاستند. فقط یک راه برای تصرف بحرین می‌توانستیم انتخاب کنیم: قطع کلی با دنیای عرب و اتحاد نظامی با اسرائیل.»

آرزوی بهیود روابط با اعراب اما دقیقاً زمانی نقش بر آب شد که پس از استقلال بحرین، کشورهای عربی مدعی حاکمیت بر جزایر سه‌گانه شدند و بحران ایران با اعراب منطقه وارد فاز تازه‌ای شد.

آینات چوبی

خیلی‌ها می‌گویند سومین هدف شاه که تنها دستاورد او روند. در صفحه ۶۲ جلد اول کتاب «خاطرات اسدالله علم» آمده است: «سفیر انگلیس امروز راغب‌تر از ملاقات قبلی بود که حل مسئله بحرین را به پیشنهادهای مربوط به جزایر مرتبط سازد. خاطرنشان کرد که اگر ایران به تأسیس فدراسیون امارات عربی کمک کند، در این صورت ما (ایران) خواهیم توانست به دعوت و از جانب فدراسیون جزایر را تصرف کنیم، بی‌آنکه ترس از واکنش عرب‌ها داشته باشیم.»

اما پس از جدایی بحرین از کشورمان، زمانی که شاه اعلام کرد جزایر سه گانه رسماً متعلق به ایران هستند، کشورهای عربی به سردستگی عراق، ادعای ایران را رد کردند و انگلیس هم بی‌خیال آبنباتی که دست محمدرضا داده بود، پایش را از مناقشه بیرون کشید تا شاه لکه ننگ می‌توانست تا صدها سال بعد در کارنامه سیاسی پادشاه ایران باقی بماند و حیثیت و آبرویش را به باد دهد. اسدالله علم دراین باره در خاطراتش نوشته است: «شاه به من گفت:حالا که من و تو هستیم آیا فکر می‌کنی در آینده ما را خان خواهند گفت یا چنانکه معتقدم و اغلب سیاستمداران دنیا هم معتقدند، درباره من که حاضر به حل مطلب بحرین شدم، خواهند گفت کار بزرگی انجام دادیم و این منطقه از دنیا را از شر کشمکش‌های پوچ و بالتیجه نفوذ کمونیسم نجات دادیم؟»

بحران اعراب منطقه

براساس دومین نظریه، یکی از مشکلاتی که قرار بود با بخشش بحرین به اعراب حل شود، روابط تیره و تار با اعراب بود که شاه و اطرافیانش خیال می‌کردند با پیشکش بحرین به آل خلیفه احتمالاً رو به بهبود خواهد رفت. یعنی دقیقاً همان تصویری که رضاخان را مجاب کرد بخش‌هایی از خاک کشورمان را در قالب پیمان سعدآباد به ترکیه و افغانستان و عراق بدهد. این مورد را هم در میان یادداشت‌های اسدالله علم می‌توان پیدا کرد؛ همان جایی که می‌نویسد: «بر فرض که آن آبحرین را به تصرف در می‌آوردیم، یک دردرس دائمی و کشمکش با جمعیت عرب آنجا، مضافاً به یک خرج

کشورمان شدند. هرچند بر اساس نتایج این مذاکرات، قرار شد همه‌پرسی تکلیف بحرین را تعیین کند، اما اردشیر زاهدی اعلام کرد: «پس از مطالعات لازم، دولت تصمیم گرفت مسئولیت کسب تمایل باطنی و آمال واقعی مردم بحرین را به سازمان ملل که مورد قبول قاطبه ملل است واگذار نماید.»

نتیجه گزارش سازمان ملل از قبل معلوم بود، به همین خاطر وقتی گزارش نماینده اعزامی این سازمان به بحرین در رسانه‌ها منتشر شد، هیچ‌کس تعجب نکرد. در بخشی از متن گزارش سازمان ملسل آمده بود: «جمعیت ایرانی بسیار ناچیزی که از سطح فرهنگ بحرین بارها در زمان صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه، رنگ شورش، جنگ داخلی و جدایی‌طلبی به خوش دید اما سلطه همه‌جانبه انگلیسی‌ها در این جزیره از سال ۱۱۲۶ آغاز شد که یکی از شیوخ عربستانی، با حمایت قوای نظامی بریتانیا به بحرین حمله کرد و رسماً مدعی استقلال آن از ایران شد.

خطر ملکه آزرده نشود

از همان روزی که یکی از شیوخ عربستان، بحرین را تصرف کرد، تا روزی که محمدرضا پهلوی در دهلی نو به خبرنگاران گفت: «چنانچه مردم بحرین علاقمند به الحاق به کشور من نباشند، ایران ادعای ارضی خود را نسبت به این جزیره پس خواهد گرفت... ایران به اراده و خواست مردم بحرین، در صورتی که مورد شناسایی بین‌المللی نیز واقع شود، احترام خواهد گذاشت.» ایران بر سر مالکیت بحرین با انگلیس کشمکش داشت، یعنی تا پیش از آن تاریخ، مردم، مطبوعات و حتی خود شاه

بی‌رحمانه به خاندان «آل خلیفه» که مدعی حاکمیت بر بحرین بود، می‌تاختند و انگلیس را هم طوری که خاطر ملکه آزرده نشود، کم و بیش مورد نوازش قرار می‌دادند. از آن روز به بعد اما ورق برگشت. بحرین یکباره به بی‌اهمیت‌ترین جزیره خلیج فارس تبدیل شد، نظر ساکنانش در اولویت قرار گرفت و سازمان ملل هم صلاحیت رسیدگی به مناقشه میان ایران و انگلیس بر سر جزیره بحرین را پیدا کرد!

شعارهای کادوپیج شده

همه چیز برمی‌گشت به تغییر سیاست خارجی بریتانیا. کبیر. انگلیسی‌ها که سال‌ها با سیاست‌های استعماری مستقیم، انواع و اقسام پایگاه‌های نظامی را در بحرین ساخته بودند، سال ۴۶ یکباره تصمیم به خروج از خلیج فارس گرفتند. دولت بریتانیا همان سال لایه‌ای شعارهای جورواجوری که با ژست‌های آزادی‌خواهانه کادوپیج می‌شدند، اعلام کرد تصمیم گرفته بحرین را به دست صاحبان اصلی‌اش بسپارد. کشور فدرال امارات عربی که از ۹ شیخ‌نشین از جمله امارات تشکیل می‌شد، طرح پیشنهادی انگلیسی‌ها برای آغاز دوران جدید استعمار در خلیج فارس بود، باتوجه به پیانیه شدیدالحن اردشیر زاهدی، وزیر وقت امور خارجه و موضعگیری‌های شخص شاه علیه طرح انگلیس، هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد که شیخ بحرین چند ماه بعد نوتشدنی استقلال این کشور را در تهران و همراه با شاه ایران نوش جان کند!

کار به همه‌پرسی نرسید

پس از سخنرانی جنجالی شاه در دهلی نو، نمایندگان بحرین برای مذاکره بر سر استقلال این سرزمین وارد



آن روزها

یک کودتا، یک جلا

کشور و تمدن «دزد و راهی» که می‌تواند هند و برمه را غارت کند و در ایران بحران‌زده و پراشوب پس از داستان مشروطیت، کودتای موفق تبارک کند، مگر برایش استخدام چند استاد دانشگاه و باسواد و اهل قلم که از «کودتا» تمجید کنند و رضاخان و کودتایش را نجات‌دهنده ایران از جنگال کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی معرفی کنند، سخت است؟ همان‌گونه که در جهان تجارت و بانکداری و اقتصاد، کسانی هستند که با گرفتن دستمزد فوق‌العاده «قیب نشان شده» را در بازار کارشناسان تحصیلکرده و بی‌وطنی هستند که از سیاست‌های منطقه‌ای قدرت‌های استعماری و استکباری دفاع می‌کنند و از کارنامه آنان به عنوان بهترین دوره تاریخی یاد می‌کنند. این دسته از کارشناسان و مورخان تلاش می‌کنند چهره سیاه سیاست‌های ضدمیهنی و به‌ویژه کودتای رضاخانی را چهره‌ای انسانی و همراه با نیازهای ملت و پیش‌برنده فضای کشور و جامعه به سوی «پترین» و «پهروزی» جلوه دهند تا بدین ترتیب هم کودتا دوست‌داشتنی انگاشته شود و هم پشتیبانان و کارگردانان اصلی آن خیرخواه ملت ایران شناخته و معرفی شوند! جقدر و تا چه اندازه یک آدم می‌تواند روی وجدان ملی و شخصیت میهنی خویش خط قرمز بکشد و این همه جنایت را نادیده و ناشنیده بداند و از کودتاگری به نام رضاخان تمجید کند و او را «خدمتگزار میهن» بداند؟ شخصیتی سیاسی و نظامی که می‌تواند در چهار ساعت، پیش از ۴ هزار نفر از هموطنانش را از یک «مسجد» تاریخی و باشکوه به کام مرگ بفرستد، اساساً مفهوم پیشرفت و حرکت تاریخی جامعه را می‌فهمد که بخواهد برای آن دلسوزی و تلاش کند؟ حتی اگر «ضاهاه» در یک جنگ کاملاً ضدمیهنی شرکت می‌کرد و پس از محاصره لشکر دشمن می‌توانست ۴ هزار نفر از سربازان آنان را در یک شب تیرباران کند، باز هم هیچ نظامی و افسر باشرقی در میان نظامیان و ارتشیان پیدا نمی‌شد که او را پیروز نبرد بشناسد و با دست پراحساس خویش، مدال پیروزی به سینه او بچسباند و سپس با احترام نظامی، او را مورد تحسین قرار دهد. آنچه اتفاق می‌افتاد و قضاوت و بیان می‌شد تنها یک کلمه بود ... جلا ... بی‌رحم و یا خونریز... زیرا، کشتن و نابودی ۴ هزار انسان، در یک زمان و در یک مکان جنایت جنگی است. مورخان بی‌بی‌سی و سایت‌ها و رسانه‌ها ضد میهن، هیچ تردید نکنند که بر سینه پرکنیه یک جلا ضد میهن، هیچ مدالی نه می‌چسبد و نه در خشش می‌باید. تنها و تنها یک کلمه است که قضاوت می‌شود و در گوش وجدان میهن‌می‌شنیدند و می‌چرخد که رضاشاه یک جلا، یک بی‌رحم برای همه ایران بود.

تحلیل و ته دیگ

این به جای اون!

برخی از خبرگزاری‌ها: قیمت گوشت در دو هفته ارزان می‌شود. برخی از همان خبرگزاری‌ها: قیمت برنج در روزهای اخیر تا ۲۵ درصد افزایش یافته‌است.

کارشناسان معتقدند، زمانی که تورم، رکود و رکود تورمی، دست به یکی کرده و به ساختار اقتصادی کشور حمله می‌کنند، سیاست «این به جای اون» از جمله تدبیرهای اقتصادی است که اجازه نمی‌دهد خدای ناکرده به یک یا چند جای اقتصادمان شوک ناچور وارد شود. یعنی شما حساب کنید اقتصادی که در یکی دو سال اخیر درگیر تورم خدا درصدی بوده و قیمت همه چیز، هر روز بالا رفته و مردم تازه دارند به بالا رفتن قیمت‌ها عادت می‌کنند، چه به سرش می‌آید اگر یکباره چند خبرگزاری، از قول یک مسئول، قول بدهند که گوشت در یکی دو هفته ارزان می‌شود؟ آیا ساختارهای اقتصادی با این شوک از هم نمی‌پاشد؟ کارشناسان معتقدند در این شرایط باید باافاصله چند مسئول و خبرگزاری پیدا شوند و تأیید کنند که مثلاً قیمت برنج ۲۵ درصد گران شده است و خلاصه این به جای اون! این‌ها را از قول کارشناسان گفتیم تا اگر شما فقط یکی از دو خبر بالا را شنیده‌اید، بی‌دلیل وقتتان را برای محاسبه اینکه آیا چلوگوشت، چلو کباب، شیشلیک و... ارزان می‌شود یا خیر، تلف نکنید. به لطف سیاست و تدبیر اقتصادی «این به جای اون»، قیمت همه غذاهای گوشتی چلودار ثابت باقی مانده و کماکان من، شما و کارشناسان باید به بوی آن‌ها کتفا کنیم!

روزمره نگاری

چند جرعه کتاب

رقیه توسلی: متولیان کتاب همه را دعوت کرده‌اند به میهمانی در کافه‌ای برزنتی، از لایه‌ای جمعیت کتابخوان و نخوان که مشغول پرازش‌اند، خودمان را می‌رساییم. عطر خوش کافه و اندیشه، فضا را پر داشته. با راهنمایی دوستان پا می‌گذاریم وسط معرکه... کتاب‌ها با روی گشاده توی قفسه‌ها ایستاده‌اند و به هر بازوآوردی عرض ادب می‌کنند. قطور و لاچان و سرخ و سفیدشان. به وجد می‌آیم و جمله استاد بی‌مقدمه پورتمه می‌رود در سرم. مرد ادیبی که با دیدن بازگویی غمگین گاهی به شوخی می‌گفت: «باز دیدیش فیلم‌های هالیوود دیدی؟» میزبان منو می‌آورد... منوی کتاب و نوشیدنی... دنیا جقدر زیبا می‌شود وقتی می‌بینی عداوی دور هم جمع شده‌اند از گوهر خواندن حرف بزنند سر می‌چرخانم و بی‌تعارف تمام سه دیواری را از نظر می‌گذرانم. کتاب‌ها برآم کانی‌آده! آخر با این همه تدارک بزرگ و لعاب و چرب و چیل دیگر میلم به بهار نارنج و خاکشیر و شربت زعفران نمی‌کشد! مرداد است. از آن مردادهای قشنگ که رزقت را انکار پروپیمان نوشته خدا. از همان‌ها که می‌شود یک جوهریاری ربش داد به اقبال بلند. جانم برایتان بگوید که در این وانفسا، مجموعه‌ای جمعمان را جمع کرده تا در درباره واجب‌ترین غذای بشر، دوستانه گپ بزنیم در گوشه خیابان. حوالی ابرهایی که دست و دل‌بازانه جلوه اشعه ماوراء بنفش را گرفته‌اند. همه چی جور است اینجا آقای صفااتی از «روزنامه سفر ماژندران به روایت ناصرالدین شاه و اعتماد السلطنه» را روخوانی می‌کند. کتاب‌های سفارش داده شده را می‌آورند برپایمان و ایضاً شربت و برخورد شیرینشان را. بعد مدیر همه کتاب‌های استان، خوشامدگویی گرمی می‌کند و مختصری از طرح‌های عملیاتی‌شان می‌گوید. از کتابخانه، خوانش با کشورزنان و سالمنان، از معرفی کتاب در جمع مدیران، دوره‌می کتابخوانان و از فروش کتاب توسط کودکان کار. در حین میهمانی کتاب‌های کلاوینی نمی‌دانم چه می‌شود که بی‌محبا جلوی اسب یورتمه رو دهنم را می‌گیرم و رو به استاد می‌گویم: خودتان ملاحظه بفرمایید... می‌شود پس به داد کیفیت رسیدم. مشکل از احساس مسئولیتی است که گاهی وسط نیست. از حامی که قرار می‌کند... اصلاً هالیوود، هالیوود است قله قاف که نیست، حتماً فرهنگ و هنر را با درستکاری می‌شود نجات داد.

شهاب حسینی به حواشی جدا شدنش

از «شکرستان» پاسخ داد

مهر: شهاب حسینی از دلیل خود برای نبود صدایش در فصل جدید «شکرستان» سخن گفت.
شهاب حسینی، راوی فصل جدید در مجموعه پویانمایی «شکرستان» بود که نوروز از شبکه

«سپید» پخش شد و قرار بود روایت فصل‌های بعدی این مجموعه را نیز برعهده داشته باشد. با شروع فصل جدید این برنامه در ایام عید قربان تا غدیر، روایت مجموعه توسط علی همت مومینود پیشکسوت دوبله انجام شد. این اتفاق حاشیه‌هایی را رقم زد و برخی در فضای مجازی غیبت شهاب حسینی در این فصل را به ترجیح حضور او در پروژه‌ای در خارج از کشور مرتبط دانستند. شهاب حسینی اما با انتشار متنی در صفحه اینستاگرام خود از همکاری با این مجموعه در فصل‌های بعدی خبر داد که متن آن را در زیر می‌خوانید: «وستان و هموطنان گرامی سلام و عرض احترام.

علت بعضی از خبرسازی‌های غیرواقعی و انگیزه‌های پشت آن بر بنده روشن نیست. در خصوص عدم ادامه همکاری بنسده کوچک با مجموعه جذاب خلافت‌ا و دیدنی شکرستان به تهیه‌کنندگی دوست و همکار عزیز و صمیمی آقای مسعود صفوی صرفاً به دلیل عدم هماهنگی زمانی و شرایط فشرده کاری بنده در خارج از ایران اتفاق افتاده که برخلاف خواست قلبی طرفین رقم خورده؛ چرا که شخصاً از علاقه‌منان به این مجموعه هستم. آن شاءالله بعد از اتمام پروژه‌های کاری در خارج از کشور برای رفغ دل‌نگنی و انجام پروژه‌هایی طبق قراردادی قبلی در ایران همیشه عزیز خواهم بود. آن شاءالله، به شرط بقا. آمین».
محمد رحیم لیلانی، مدیر مرکز پویانمایی «صبا» هم روز گذشته ضمن تذکر به حاشیه‌ها، بر ادامه همکاری شهاب حسینی با انیمیشن «شکرستان» در فصل‌های بعدی تأکید کرده بود.

رهبر گروه کر «شهر تهران» مطرح کرد

مظلومیت موسیقی کلاسیک در برابر پاپ

ایستنا: گروه کر «شهر تهران» قرار است ۲۵ مرداد ماه گزیده‌ای از ترانه‌های نوستالژیک بین‌المللی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ میلادی را در تالار وحدت روی صحنه ببرد.

رهبر ارکستر که از سال ۱۳۷۸ این گروه را تأسیس کرده، درباره جایگاه کنونی موسیقی کرال در ایران گفت: خوشبختانه دید و شناخت مردم نسبت به این سبک از موسیقی رو به بهبود است. در سال ۷۸ که این گروه را تشکیل دادیم، به جز ما تنها دو گروه کر دیگر در تهران فعالیت داشت که دولتی بودند. یکی از آن‌ها وابسته به صداوسیما و دیگری وابسته به تالار وحدت بود. در آن زمان گروه‌های کر دیگری به سبک ما تشکیل شده بود که عمر طولانی نداشتند و پس از یکی دوتا کنسرت منحل می‌شدند. ولی در حال حاضر حداقل چهار یا پنج گروه کر ثابت و خوب در تهران داریم که هر کدام جایگاه و سبک خود را پیدا کرده‌اند. وقتی گروه‌های کرّی که در چند ساله اخیر اضافه شده‌اند، ثابت مانده و منحل نشده‌اند، می‌توان گفت: به مخاطب خود را دارند و اگر مخاطب نداشتند، تشکیل نمی‌شدند و پایدار نمی‌ماندند. وی در ادامه به توجه بیشتری که نسبت به موسیقی پاپ در کشور وجود دارد، اشاره کرد و گفت: موسیقی کلاسیک در ایران نسبت به موسیقی پاپ دچار مظلومیت است. به عنوان نمونه کنسرت یک بند مطرح پاپ را در مقایسه با یک گروه موسیقی کلاسیک خیلی خوب که دارای نوازندگان حرفه‌ای است، در نظر بگیرید. در نتیجه خواهید دید که به دلایل فرهنگی و اجتماعی مختلف همه بلیت‌های کنسرت پاپ به فروش خواهند رسید.

قاسمی در پایان درباره برنامه کاری آینده گروه «کر تهران» گفت: یک البوم در دست تهیه داریم که آثار آهنگسازان معاصر ایرانی همانند احمد پژمان، محمدمسعود شریفیان، امیر اسلامی و… را در آن کار کرده‌ایم. در زمستان اواسط دی ماه نیز احتمالاً برای دو شب در تالار وحدت اجرا کنیم. سبک این کنسرت‌مان کلاسیک خواهد بود و یک قطعه از پتهپون را همراه با ار کستر در آن اجرا خواهیم کرد. همچنین یک قطعه از یک آهنگساز قرن بیستمی انگلیسی و احتمالاً یک قطعه ایرانی نیز با کر و ارکستر اجرا کنیم.

فیلم‌های سیما در سالروز بازگشت آزادگان

روابط عمومی سیما: «بوی پیراهن یوسف»، «پرواز در شب»، «آواز گنجشک‌ها»، «راه آبی ابریشم» و… از فیلم‌هایی است که در تعطیلات پایانی این هفته و به مناسبت سالروز بازگشت آزادگان به میهن روی آنتن شبکه‌های سیما خواهد رفت.

فیلم سینمایی «پرواز در شب» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور، امروز ساعت ۲۳ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. فیلم تلویزیونی «ترانه آتش» به کارگردانی روح الله شهرابی، فردا ساعت ۱۶ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. موضوع این فیلم تلاش برای خودکفایی ساخت دوربین‌های بزرگ در صنعت نفت و بومی‌سازی این صنعت پیچیده است. حمید لولایی، جعفر دهقان، محمد کاسبی و شهرزاد عبدالمجید در فیلم تلویزیونی «ترانه آتش» هنرنمایی کرده‌اند. فیلم سینمایی «برج مراقبت دیوانه»، فردا، ۴۰ دقیقه باامداد و فیلم سینمایی «بترد خرگوشی»، فردا ساعت ۸ از شبکه دو سیما پخش خواهند شد. همچنین فیلم سینمایی «شکار گوزن دم سفید»، فردا ساعت ۱۷ از شبکه دو سیما پخش خواهد شد. فیلم سینمایی «پلیس فروشگاه» به کارگردانی استیو کار، امروز ساعت ۱۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. فیلم سینمایی «جفت در آسمان خراش» امروز ساعت ۱۶ از شبکه سه سیما پخش خواهد شد. فیلم سینمایی «فولاد خونین» فردا ۳۰ دقیقه باامداد از شبکه سه سیما پخش می‌شود. فیلم سینمایی «خراجی‌های ۲۲» به کارگردانی مسعود ده نمکی، فردا ساعت ۱۴:۳۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. فیلم سینمایی «بوی پیراهن یوسف» به کارگردانی ابراهیم حاتمى کیا، فردا ساعت ۱۹ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. نیکي کریمی، علی نصیریان و جعفر دهقان در فیلم سینمایی «بوی پیراهن یوسف» هنرنمایی کرده‌اند. فیلم سینمایی «وزر کانپنگ قاتل» به کارگردانی میکائیل اندرسون، امروز ساعت ۱۰:۳۰ از شبکه چهار سیما روی آنتن می‌رود.

فیلم سینمایی «آواز گنجشک‌ها» به کارگردانی مجید مجیدی، امروز ساعت ۲۱ از شبکه چهار سیما روی آنتن می‌رود. فیلم سینمایی «ماهی بزرگ» به کارگردانی تیم برتون، فردا ساعت ۲۱ از شبکه چهار روی آنتن می‌رود. همچنین فیلم سینمایی «راه آبی ابریشم» به کارگردانی محمدزبا یزگ نیل، فردا ساعت ۱۷ از شبکه افق پخش خواهد شد. در این فیلم مرحوم عزت‌الله انتظامی، بهرام رادان، درویش ارجمند، رضا کیانیان، پگاه آهنگرانی و پیام دهکردی در این فیلم هنرنمایی کرده‌اند.

ا فرهنگ و هنر ا زهره کهندل |چندی پیش

دومین دوره آکادمی سینماسینما با اعلام برگزیدگان به کار خود پایان داد و فیلم «شماره ۱۷ سهیلا» توانست جایزه بهترین فیلمساز اولی را برای محمود غفاری و بهترین بازیگر زن را برای زهرا داوودنژاد به ارمانگن بیاورد. نخستین فیلم غفاری که روی پرده نقرهای سینماهای کشور نقش بست، «شماره ۱۷ سهیلا» روایت‌کننده داستان دختری میانسال و در آستانه ۴۰ سالگی است که زمان ازدواج او به تأخیر افتاده و با توجه به مشکل ژنتیکی که دارد در تلاش است هر چه سریع‌تر ازدواج کند تا بچه‌دار شود.

غفاری در این فیلم نگاهی متفاوت به ماجرای مجرد دختران و بالا رفتن سنن ازدواجشان دارد، نگاهی واقع‌گرا که البته به مذاق عده‌ای هم خوش نیامده، اما بخشی از واقعیت‌های جامعه امروز را بازگو می‌کند. به بهانه دو جایزه‌ای که این فیلم در دومین آکادمی سینماسینما گرفته‌است با محمود غفاری، کارگردان این فیلم که این روزها مشغول تولید فیلم جدیدش است، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید

♦ **جایزه بهترین فیلمساز اول آکادمی سینماسینما برای فیلم «شماره ۱۷ سهیلا» به شما تعلق گرفت، چرا این فیلم در زمان اکرانش، فروش خوبی نداشت و در گیشه شکست خورد؟**

فیلم «شماره ۱۷ سهیلا» به این دلیل اکران شد که سال گذشته شروع بازی‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال همزمان شد با اکران فیلم‌های جدید سرگروه‌های سینمایی و قرار بود فیلم هزارپا این شود ولی چون این زمان به خاطر فضای فوتبالی کشور، بدترین زمان برای اکران بود و حتی در سینماها هم فوتبال نمایش می‌دادند، پس تصمیم گرفتند که اکران هزارپا را دو هفته عقب بیندازند و یک فیلم از فیلم‌هایی که در غیر این شرایط امکان اکران ندارد را در این دو هفته نمایش دهند تا سرگروه بی‌فیلم نماند و این دو هفته لغت‌نی برای سینما هم طی شود، حالا چه فیلمی بهتر از یک فیلم بی‌صاحب مستقل مثل «شماره ۱۷ سهیلا» که هم از شر اکرانش راحت می‌شوند و هم متنی بر سر سینمای مستقل می‌گذارند که این جور فیلم‌ها را هم اکران کردیم. ما هم چاره‌ای نداریم چون سر بریده شدن بهتر از تلف شدن است. حالا شما اسمش را می‌گذارید شکست ولی من می‌گویم قربانی.

♦ **فروش دلسرد کننده فیلم شما با وجود اینکه فیلم خوبی هم بود، روی تولید کارهای بعدی‌تان اثر گذاشته‌است؟**

نه، سینمایی که ما عاشقش شده‌ایم ربطی

گفت‌وگو با محمود غفاری که جایزه فیلمساز اول را از آکادمی «سینما سینما» گرفت

«شماره ۱۷ سهیلا» شکست نخورد، قربانی شد



به فروش ندارد. من فیلم کم هزینه می‌سازم که در هر صورت پولش را طی زمان از طرق مختلف نمایش برگرداند. سینما یک وجه دیگر هم جز گیشه، فروش و کاسبی دارد. اگر این نگاه شما به سینما غالب بود که تاریخ سینمایی وجود نداشت چون تاریخ سینما را کیفیت فیلم‌ها می‌سازند نه ارقام فروش. البته که فروش بالای یک فیلم خیلی خوب است ولی دلیل کافی برای خوب و موفق بودنش نیست.

برش

ما نباید اجازه دهیم فروش بالای یکسری فیلم‌های پر هزینه و وابسته به اقتصاد کلان سینما، روی اعتماد به نفس فیلم‌های کوچک و کاملاً فرهنگی تأثیر بگذارد

حذف کتب به همین دلیل است که فیلم بعد از سه سال هنوز زنده است و دارد دیده می‌شود آن هم در کنار فیلم‌هایی که هزینه‌های میلیاردی داشته‌اند. برای من این شکل کار کردن ارزشمندتر است. این یک انتخاب است برای لذت بردن از شغل.

♦ **پرداختن به مسئله تجرد دختران، موضوعی بوده که برخی سینماگران از زوایای نگاه خودشان به آن پرداختند ولی شما نگاهی متفاوت به ماجرا داشتید، دختری معلق در میان استقلال و وابستگی که هم باید با خودش و نیازهایش بجنگد و هم با نگاه مردم و جامعه، واکنش‌ها نسبت به**

خلق چنین شخصیت و موقعیتی در فیلم‌تان چه بود؟

واکنش‌ها معمولاً در پست‌ها و نظراتی است که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، اگر پیگیری کرده باشید نظرات عموماً مثبت بوده است البته برخی هم که فیلم را توهین‌آمیز می‌دانستند، وجه طنز فیلم را متوجه نشده بودند که قطعاً با گذشت زمان آن‌ها هم با فیلم همراه می‌شوند.

♦ **فیلم شما بیش از اینکه قصه‌گو باشد، تلاشی برای خلق یک موقعیت آشنا در شرایط کنونی کشورمان است. چرا خلق موقعیت‌ارایتان بیش از قصه اهمیت داشت؟**
فیلم‌ها معمولاً با موقعیت محورند یا داستان محور، اما فیلم‌های موقعیت محور هم شیوه روایت داستانی خود را دارند که به دلیل نگاه منحصر به فرد و غیر کلیشه‌ای، این تلقی از آن‌ها به وجود می‌آید که داستان ندارند اما مگر می‌شود شما درباره دختری که در آستانه ۴۰ سالگی است و دنبال ارضای نیاز خودش، فیلم بسازید و داستان تعریف نکنید. این موقعیت برای یک دختر، خود داستان است، داستان از این ناپرتر؟ فقط مشکلیش این است که کلیشه‌ای رفتار نکرده چون ممکن بود لوده و سطحی از آب دربیاید.

♦ **درباره انتخاب زهرا داوودنژاد برای نقش اول فیلم، چه شد که سراغ این بازیگر رفتید**

و فکر می‌کردید که از پس نقش برآید؟
در وهله اول دنبال بازیگری با فیزیک چاق بودم و از طرف دیگر از بازی زهرا داوود نژاد در فیلم «کلاس هنرپیشگی» خیلی خوشم آمده بود و دوست داشتم با او کار کنم. وقتی دیدم این دو ویژگی زهرا داوودنژاد به نقش سهیلا می‌خورد، تصمیم گرفتم با او کار کنم، البته انتخاب او و پافشاری‌ام برای بازی در نقش سهیلا، موجب شد چند تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار را از دست بدهم چون همه دوست داشتند یک سوپرستار این نقش را بازی کند تا بازگشت سرمایه تضمین شود ولی من به تهیه‌کننده تضمین دادم که بدون دستمزد و با کمترین هزینه فیلم را بسازم اما در عوض با هنرپیشه‌هایی که دوست دارم و صرفاً تجاری نیستند، فیلم را بسازم.

♦ **جواب اعتمادتان به زهرا داوودنژاد را گرفتید و بازی خوبی را از این بازیگر شاهد بودیم.**
بله، می‌دانستم نتیجه همین می‌شود.

♦ **فیلم جدیدتان با عنوان «داوود باید ترک کنه» در چه مرحله‌ای از تولید قرار دارد، توضیحات بیشتری درباره فرم و محتوای کار جدیدتان می‌توانید بدهید؟**

فیلم‌نامه «داوود باید ترک کنه» را قرار بود با تهیه‌کننده فیلم «شماره ۱۷ سهیلا» بسازم ولی چون ایشان در حساب کتاب فیلم و دستمزد من غیرحرفه‌ای عمل کرد، از خیر ساخت آن گذشتم.

اکنون روی یک فیلم‌نامه جدید کار می‌کنم به اسم «ایمان ششور دریا» که به محض آماده شدن تصمیم دارم اگر شرایط تولید با پول سالم و تمیز، مهیا شد، آن را بسازم ولی هنوز چیزی معلوم نیست.

♦ **اگر اشتباه نکنم نخستین فیلم شما «این یک رویاست بود» که اکران نشد، هنوز وضعیت اکرانش نامشخصی است؟**

این فیلم چون بدون پروانه ساخت کار شده بود، هیچ وقت از سوی وزارت ارشاد به رسمیت شناخته نشد. یک دوره‌ای تا آستانه اکران در هنر و تجربه هم رفتیم ولی لحظه آخر بار هم از نمایش آن ممانعت شد. فکر می‌کنم هیچ وقت دیگر اجازه نمایش پیدا نکند، من هم دیگر توان و حوصله پیگیری این مسئله را ندارم، چون چند هفته پیش هم دوباره پیگیر نمایش آن شدم که گفتند امکان نمایش ندادند. هیچ توضیحی هم بابت دلیل این مسئله نمی‌دهند. زمانی فیلم برای جشنواره فجر در اوایل دهه نود انتخاب شد و اصلاحیه‌هایی هم دادند و اعمال کردم ولی در نهایت توقیف شد.

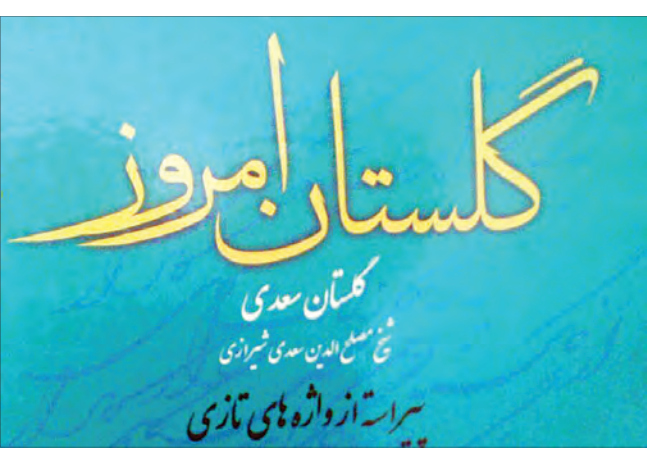
فارس: تصویربرداری سریال «سرباز» به کارگردانی هادی مقدم‌دوست و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی همچنان ادامه دارد. خشایار سیاحیان و سعید سیاح چندنی است تدوین «سرباز» را آغاز کردند و به موازات آن مسعود سخاوت دوست که سابقه آهنگسازی فیلم‌هایی چون «شبی که ماه کامل شد»، «نیلر ۱۴۳»، «ماهی سیاه کوچولو»، «هیهات» و سریال‌های مثل «دلدادگان»، «نوار زرد» و… را داشته، ساخت موسیقی این سریال را برعهده گرفته است.همچنین صداگذاری سریال توسط امین شریفی در حال انجام است.

آرش مجیدی، الیکا عبدالرزاقی، پدرام شریفی، رویا تیموریان، کوروش تهامی، نیما شعبان‌نژاد، سیاوش خبرایی، علی عامل هاشمی، جمال اجلائی، اسماعیل محرابی، گلوریا هاردی، افسانه کمالی، جواد جوادجی، فرحان منافی ظاهر، کاوه آهنگر، مهتاب ثروتی، محبویه صادقی، مهدی مستصیری و… از بازیگران این مجموعه هستند. «سرباز» علائقانه‌ای حماسی است که در ۵۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تولید می‌شود. مجموعه تلویزیونی «سرباز» محصول مشترک گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما و ستاد کل نیروی مسلح (فرارگاه مهارت آموزی) است.

تلویزیون



سرباز» در مرحله ساخت موسیقی



ادبی اثر ارزشمند دست برده و بنا به سلایق شخصی آن را رشته رفته کرد؟
اگر هم هدف را بر سهیل خوانی گلستان سعدی بنا کنیم می‌توان واژگان نامانوسی را که بسیاری از ترک آن عاجز هستند، در پی نوشت یا بخشی تحت عنوان واژگان قرار داد و معنی فارسی و قابل فهمش را در اختیار خواننده قرار داد نه اینکه دست در ترکیب و آرایش یک اثر ممتاز و تاریخی برد.
از سویی دیگر یکی از مهم‌ترین معضلات امروز در فضای مجازی جعلیات ادبی است و به نظر می‌آید کتاب «گلستان امروز: گلستان سعدی پیراسته از واژه‌های تازی» خوراک مناسبی برای دست بردن در آثار ادبی شاخص است. از آنجایی که ظاهرأ نظارت درستی بر صدور مجوز کتاب‌ها در وزارت ارشاد وجود ندارد، تنها باید امیدوار بود که این نویسنده با جسس دغدغه‌هایی که سراغ اشعار بزرگان دیگری چون خاقانی، نظامی، حافظ، بیدل، مولانا و… نرود.

دخالت آشکار در متن یک شاهکار ادبی: وزارت ارشاد چه می‌کند؟

«شیخ شیراز» در «اصفهان» به روز رسانی شد!

داوطلبان کنکور در کلیه رشته‌ها، «خودآموزی و خودآموزی ادبیات عمومی کنکور سراسر دانگاه‌ها با پاسخ تشریحی»، «کتابهای چهار گزینهای فارسی و نگارش ویژه سال سوم داوطلبان سراسری و آزاد»، «آهنگ شناسی و سنجش آن با عروض سنتی»، «آهنگ‌شناسی شعر فارسی» را تاکنون به چاپ رسانده و «گلستان امروز» هم دیگر اثر اوست.

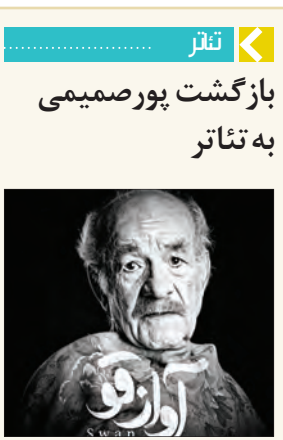
جالب است بدانید وی در مقدمه کتاب خود آورده است: «گلستان امروز همان گلستان دیروز است پیراسته از واژه‌های تازی و آراسته به واژه‌های فارسی و در خور خواننده امروز، نه ادب دانان و استادان آشنا به سخن و سخنوری دیروز».

♦ **دخالت آشکار در متن یکی از شاهکارهای ادبی**

وی در جای دیگری می‌گوید: «درست است که سعدی با هنرمندی و چیرگی خویش دو زبان را به هم آمیخته و در این سخن آرایه‌هایی چون تشبیه و ترصیع و تضمین ساخته اما فارسی امروز از این سخنان که تنها (ش، به، که) در آن فارسی است چگونه دریابد که نیایشگران چه کرده‌اند و خدانشناسان چه گفته‌اند؟».

این نویسنده که تجربه آموزگاری هم دارد در جایی می‌گوید: یک سالال طول کشید تا تمام گلستان را بدون ضربه خوردن به کلام سعدی، از واژه‌های عربی پیراستم و به واژه فارسیی آراستم و بیش از هزار واژه را فارسی کردم.
همچون «درک سخن در زمینه‌مضمون‌های متشابه، قربات معنایی، درک مفاهیم ویژه

تسنیم: سعید پورصمیمی، بازیگر مطرح و سابقه‌دار تئاتر ایران پس از ۱۷ سال با ایفای نقش در نمایش «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف، به صحنه تئاتر بازمی‌گردد. سعید پورصمیمی از بازیگران مطرح و تأثیرگذار تئاتر ایران است که در گروه تئاتر «پاسارگاد» فعالیت تأثیرگذاری را به همراه هنرمندانی چون پرویز پورحسینی، زنده‌یاد جمشید مشایخی، زنده‌یاد پرویز فنی‌زاده و زنده‌یاد حمید سمندریان در عرصه تئاتر ایران داشته است. پورصمیمی که در زمینه نمایش‌نامه‌نویسی و کارگردانی تئاتر هم فعال بوده و آثاری چون «داستان ضحاک» را به صحنه برده است، وی طی یک سال اخیر در دو نمایش‌نامه‌خوانی «استان ضحاک» و «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف حضور داشته است. پورصمیمی قرار است بعد از ۱۷ سال دوری از صحنه تئاتر با اجرای نمایش «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر، بار دیگر روی صحنه تئاتر به نقش‌آفرینی بپردازد. نمایش «آواز قو» که نورالدین حیدری ماهر مجری طرح آن است، از ۱۰ شهریور اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند



نثر

بازگشت پور صمیمی به تئاتر



ادبیات

دخالت آشکار در متن یک شاهکار ادبی: وزارت ارشاد چه می‌کند؟

«شیخ شیراز» در «اصفهان» به روز رسانی شد!

صبا کریمی: در یک اتفاق کم سابقه ادبی، نویسنده‌ای در اصفهان، کتاب گلستان شیخ اجل سعدی شیرازی را از واژه‌های عربی پاکسازی کرد و این کتاب بدون دردرس مجوز هم گرفت.

به گواه تاریخ و اهل ادب، سعدی شیخ اجل، استاد مسلم و پادشاه سخن پارسی است، جایگاه وی بر هیچ کس پوشیده نیست. یکی از مهم‌ترین آثار وی «گلستان» است که به باور بسیاری تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی محسوب می‌شود. این اثر ارزشمند یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آثار خلق شده در ادبیات فارسی تاکنون است که با نثری فنی و مسجع و همچنین با تکیه بر سبک شخصی سعدی نوشته شده و همین ویژگی موجب تمایز جدی گلستان از سایر کتاب‌های ادبی نظیر آن شده است. به گونه‌ای که در طول تاریخ نثرنویسان بسیاری به تقلید از سعدی، کتاب‌هایی نگاشته‌اند اما هیچ یک به گرد پای شیخ اجل نرسیده‌اند.

بهانه چنین توضیحاتی که همگان هم بر آن آگاه هستند، اشاره به ماجرای دیگری دارد که در ادامه می‌آید.

تاکنون نسخه‌های متعددی از گلستان منتشر شده است. نخستین کتاب تصحیح شده گلستان در سال ۱۳۱۰ توسط عبداللطیف قریب آماده و منتشر شد. نخستین نسخه تصحیح شده کلیات سعدی نیز در سال ۱۳۱۶ توسط محمدعلی فروغی منتشر شد که تا سال‌ها به‌عنوان مهم‌ترین منبع ارجاع به آثار